

گزارش

رئیس سازمان نظام پزشکی مطرح کرد

آگاه‌سازی، کلید مواجهه با مداخله‌گران در پزشکی

زهرا چیدری دبیر گروه جامعه

برای انجام عمل‌ها و اقدامات زیبایی هستیم که بسیاری از این اقدامات و عمل‌ها توسط غیرپزشک‌ها صورت می‌گیرد و به نوعی دخالت در امر درمان تلقی می‌شود. این مسأله‌گاهی وقت‌ها تبعات جبران‌ناپذیری روی سلامت دارد. حالا ما قرار است تا مداخله‌گران در امر درمان تاوان سنگین‌تری را برای کارشان بپردازند و رئیس کل سازمان نظام پزشکی از تشدید جرائم مداخله‌گران غیرمجاز در حوزه پزشکی خبر می‌دهد.

سیل تبلیغات القایی در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی موجب شده تا سونامی انجام عمل‌های زیبایی به چالشی جدی تبدیل شود، به خصوص این‌که در این میان سوده‌های کلان این عمل‌ها موجب شده تا پای غیرپزشکان هم به این عرصه باز شود. نمونه‌اش همین یک ماه پیش که در بازدید سرزده از بیمارستان آپادانا معلوم شد تکنیسین‌های اتاق عمل به جای پزشکان دست به تیغ شده‌اند و با انجام عمل ابدوپلاستی، بیماران را در معرض خطر جدی قرار داده‌اند. روز گذشته اما محمد رئیس‌زاده در نشست خبری، در پاسخ به سؤالی درباره مداخلات غیرمجاز در امور پزشکی گفت: جلسات متعددی در این باره با دستگاه‌های مربوط برگزار شده است. بحث آگاه‌سازی مردم بسیار مهم است و مردم باید واکنش نشان دهند که به مراکز غیرمجاز مراجعه نکنند.

استعلام قبل از اقدام

طبق توضیحات رئیس‌زاده سامانه جست‌وجوی اعضای سازمان نظام پزشکی سامانه‌ای بوده که در اختیار همه مردم است و می‌توانند افراد دارای صلاحیت و شماره نظام پزشکی را جست‌وجو کنند و پزشک مجاز از افراد غیرمجاز را شناسایی و راستی‌آزمایی کنند.

به گفته رئیس کل سازمان نظام پزشکی، این مسأله یکی از دلایل اصلی ضعف قانون بود که در همین راستا، مرداد امسال این جریمه تشدید شد و طبق ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی، جریمه مداخله‌گران از ۵۸ میلیون تا ۵۸۰ میلیون تشدید شده است. در صورت تکرار تخلف نیز تا یک میلیارد و ۱۶۲ میلیون افزایش پیدا می‌کند. وی ادامه داد: در مورد مراکز غیرمجاز پزشکی نیز امکانات به نفع دولت مصادره می‌شود.

از نگاه رئیس‌زاده علت توسعه فعالیت مداخله‌گران غیرمجاز پزشکی نیز تخفیف جرائم در مجلس است و از این موضوع حبس‌زدایی کرده بودند و جرایم به پنج تا ۱۰ میلیون تومان جریمه تقلیل یافته بود که منجر به سونامی مداخله‌گران غیرمجاز شد. وی علت دیگر این موضوع را تبلیغات افسارگسیخته عنوان کرد و گفت: در این راستا ۵۰۰۰ سایت مداخله‌گر در حوزه سلامت را با همکاری پلیس فتا مسدود کردیم اما این سایت‌ها مانند قارچ رشد می‌کنند.

رشد ۱۰ درصدی پرونده‌های قصور پزشکی

رئیس‌زاده همچنین در پاسخ به سؤالی در قصور و خطای پزشکی نیز گفت: قطعا تهدد حرفه‌ای و اخلاق پزشکی به همراه نظارت‌ها به کاهش آسیب و قصور پزشکی می‌انجامد.

سالانه حدود ۱۵ الی ۱۶ هزار پرونده شکایت از جامعه پزشکی به نظام پزشکی واصل می‌شود که امسال رشد ۱۰ درصدی داشت و عمده آنها هم در اعمال زیبایی است. باید تقاضا در جامعه مدیریت شود. البته نظارت‌ها هم ضعیف بوده، به خصوص در فضای مجازی که فضای آشوبی است.

رئیس کل سازمان نظام پزشکی افزود: ۵۰ درصد از پرونده‌های شکایت از جامعه پزشکی منجر به صدور کیفرخواست می‌شود و از این میان نیز بالای ۸۰ درصد به نفع بیمار رای داده می‌شود. بیشترین شکایات در سال ۱۴۰۳ در حوزه دندانپزشکی و عمدتا اعمال زیبایی دندانپزشکی و پس از آن نیز مربوط به پزشکان عمومی بوده، چرا که پزشکان عمومی عمدتا مسئول فنی مراکز و بیمارستان‌ها هستند که این ظلمی در حق آنهاست و باید اصلاح شود و از طرف دیگر هم ازدیاد اعمال پوست و مو در حوزه پزشکان عمومی است. جراحان، زنان و زایمان، ارتوپدی و گوش و حلق و بینی در رده‌های بعدی شکایات قرار می‌گیرند.



هشدار درباره سم آجیلی

عبدالعظیم بهفر، مدیرکل فرآورده‌های غذایی و آشامیدنی سازمان غذا و دارو با اشاره به پایش‌های انجام‌شده در سال‌های گذشته، گفت: بررسی‌های انجام شده نشان داده که در برخی نمونه‌های آجیل‌های فله‌ای و نگهداری‌شده در شرایط نامناسب، میزان آفلاتوکسین بالاتر از حد مجاز بوده است. / جام جم



ورود ۱۱۴ اتوبوس برقی به تهران

احمد قیومی، مدیرعامل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و با بیان این‌که امروز در پی برقی‌سازی اتوبوس‌های تهران ۷۵ دستگاه اتوبوس برقی در چهار خط ساماندهی می‌شود، گفت: ۱۱۴ اتوبوس باقی‌مانده نیز از امروز وارد خطوط می‌شود. / جام جم

نگاهی به

چالش‌های پایتختی که ۲۰ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده است



زهرا حامدی گروه جامعه

روزانه چند نفر در تهران تردد می‌کنند؟

به گفته محمدصادق معتمدیان، استاندار تهران روزانه دو میلیون نفر جمعیت به صورت شناور در استان تهران تردد دارند، همچنین دو تا سه میلیون مهاجر و اتباع خارجی در استان تهران زندگی می‌کنند. این درحالی است که بسیاری از استان‌های کشور معادل کمتر از دو میلیون نفر جمعیت دارند! در مجموع طبق آمارها روزانه حدود ۱۸ میلیون نفر در استان تهران تردد دارند و ۲۵۰ دستگاه دولتی نیز در استان تهران است. این افراد مهاجر از همه امکانات استان تهران استفاده می‌کنند و در حوزه اشتغال نیز ورود پیدا کرده‌اند. دهه‌ها سیاستگذاری متمرکز که امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در این شهر گردهم آورده، موجی از مهاجرت را از گوشه‌ونگار ایران به سوی پایتخت به راه انداخته است؛ موجی که حالا به توفانی ویرانگر بدل شده و تهران را در محاصره معضلاتی چون کمبود آب، فرونشست زمین، آلودگی هوا، ترافیک فلج‌کننده و نابرابری‌های زیرساختی قرار داده؛ تا جایی که استاندار تهران در اظهارات اخیر خود صراحتا اعلام کرده که ظرفیت بارگذاری جمعیت در این استان به اتمام رسیده است!

تهران در لبه پرتگاه

افزایش بی‌رویه جمعیت در تهران مانند سیلی ویرانگر، هم بنیان‌های زیست‌محیطی و هم ساختارهای اجتماعی این کلانشهر را در هم کوبیده و معضلاتی چون آلودگی هوا، فرونشست زمین و بحران آب را به نقطه اوج رسانده است. آلودگی هوا که به گفته حسن عباس‌نژاد، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان تهران با تولید سالانه چهار میلیون تن گردوغبار از ۵۰ کانون در کشور و افزایش تعداد خودروها در این شهر شدت

خبر

رشد مصدومان چهارشنبه‌سوری

بابک یکتاپرست به تشریح وضعیت آسیب‌دیدگان و چالش‌های امدادسانی پرداخت و افزود: از ابتدای اسفند تا پایان روز جمعه ۲۴ اسفند، ۴۰۶ نفر بر اثر حوادث مرتبط با چهارشنبه‌سوری مصدوم شده‌اند که این میزان ۱۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته افزایش را نشان می‌دهد. / ایرنا



و تمرکز امکانات تبدیل شده است؛ به‌طوری‌که حالا چندسالی است مهاجرت بی‌وقفه به دلیل تمرکز امکانات اقتصادی و اجتماعی، همراه با ناکامی در توسعه زیرساخت‌ها، تهران را به میدان نبردی تبدیل کرده که در آن بحران آب، فرونشست زمین، آلودگی هوا و ترافیک نفسگیر به‌عنوان تنها بخشی از مشکلات، آینده این شهر و ساکنانش را تهدید می‌کند. حالا در هنگام‌های که تهران زیر سایه تهدیدات فراینده به‌سختی نفس

گرمایی شهر، آلودگی صوتی، استفاده بیش‌ازحد از منابع طبیعی، کوه‌خواری و ده‌ها معضل است.

دریغ از یک سکونت پایدار!

از بحث انتقال پایتخت که بگذریم نکته قابل تأمل و البته تلخ ماجرا این است که در طول این سال‌ها مسئولان موفق به ایجاد یک سکونت پایدار در تهران هم نشده‌اند! امیررضا رفیعی، پژوهشگر معماری و شهرسازی مرکز مطالعات شهرداری تهران در گفت‌وگو با جام‌جم یکی از مشکلات اصلی تهران را بازگذاری فعالیتی و جمعیتی می‌داند و می‌گوید: اگر ما امکانات و منابع را در کل کشور به‌صورت متوازن تقسیم می‌کردیم، دیگر کسی از غرب یا شرق کشور به تهران مهاجرت نمی‌کرد؛ بنابراین معضل جمعیتی فعلی در تهران در وهله اول به عدم‌توانایی ما در فراهم کردن امکانات، فرصت‌ها و مزیت‌های رقابتی برمی‌گردد. رفیعی با بیان این‌که ما حتی نتوانستیم یک سکونت پایدار در استان تهران ایجاد کنیم، می‌افزاید: در حال حاضر مقصد اغلب سفرهای روزانه افراد تهران است و شهرهای اطراف به‌صورت شهر خوابگاهی عمل می‌کنند، چراکه اکثرا جمعیت مهاجری هستند که به دلیل قیمت بالای زمین و مسکن نتوانسته‌اند داخل تهران سکونت داشته باشند و به خارج از تهران رفته‌اند. این درواقع به این معناست که مادر خود منطقه تهران هم نتوانسته‌ایم یک‌پایداری سکونی ایجاد کنیم. این معضل هم یک راهکار فوری ندارد، چراکه وقتی آن‌قدر قیمت مسکن بالاست که افراد نمی‌توانند در تهران ساکن شوند، از طرفی هم به دلیل تمرکز امکانات مجبور به مهاجرت برای کار در پایتخت هستند، راه‌ریعی باقی نمی‌ماند.

راه نجات پایتخت چیست؟

به گفته رفیعی، در حال حاضر حدود

۲۰ درصد از کل کشور در تهران زندگی می‌کنند و وقتی چنین جمعیتی در تهران جای گرفته است ما ناچاریم که همه توان خود را برای توسعه زیرساختی افراد جذب شده، بگذاریم.

این پژوهشگر معماری و شهرسازی مرکز مطالعات شهرداری تهران، می‌افزاید: برای بهبود این وضعیت تنها راه‌آمان این است که بتوانیم یک برنامه آمایش درستی داشته باشیم و براساس مزیت رقابتی که قسمت‌های مختلف کشور دارد بتوانیم پتانسیل‌های اشتغال‌زایی را در آن بخش‌ها بیشتر کنیم تا یک اقتصاد پایدار در همان مناطق ایجاد شود و این باعث می‌شود روند مهاجرت به تهران کمتر و تا حدی متوقف شود.

رفیعی در پایان تأکید می‌کند: یک برنامه درست و پایدار چشم‌اندازی حداقل ۱۰ساله دارد، یعنی ما باید حداقل برای ۱۰سال آینده برنامه‌ریزی کنیم که بتوانیم یک سکونت پایدار ایجاد کنیم و با برنامه‌های یک ساله و دوساله نمی‌توان به راهکارهای پایدار رسید و صرفاً می‌توان یک مسکن برای آن در نظر گرفت.

سخن آخر

این روزها حال تهران وخیم است. مشکلات و معضلات ریز و درشت اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و... نفس پایتخت را به تنگ آورده تا جایی که شاید خیلی وقتی برای جبران آنها باقی نگذاشته است. از طرفی هم وعده‌هایی نظیر انتقال مسئولان در این زمینه هم دردی از مشکلات فعلی تهران دوا نمی‌کند و این شهر رنجور حالا بیش از حرف و شعار به‌عمل نیاز دارد. البته قبل از آن‌که مشکلات عظیم آن بر سر مردم آوار شود، پس لطفاً تهران را دریابید!

برش



انتقال پایتخت؛ راهکار یا چالش جدید؟

انتقال پایتخت از تهران به یکی از شهرهای دیگر ایران، ایده‌ای است که در سال‌های اخیر به‌طور متناوب در محافل سیاسی، علمی و رسانه‌ای مطرح شده و موافقان و مخالفان خود را داشته است. این پیشنهاد عمدتا ریشه در مشکلات فراینده تهران از جمله آلودگی هوا، ترافیک طاقت‌فرسا، فرونشست زمین، بحران آب و تمرکز بیش از حد جمعیت و منابع در این کلانشهر دارد اما مخالفان و موافقان خاص خودش را دارد. موافقان این طرح معتقدند که جابه‌جایی مرکزیت سیاسی و اداری به شهری جدید می‌تواند فشار بر تهران را کاهش دهد، توزیع امکانات و فرصت‌ها را در سطح کشور متوازن‌تر و از مهاجرت بی‌رویه به پایتخت جلوگیری کند. با این حال، اجرای چنین پروژه‌ای نیازمند سرمایه‌گذاری عظیمی است. این هزینه شامل ساخت مجموعه‌ای گسترده از زیرساخت‌ها از جمله وزارتخانه‌ها، دفاتر دولتی، مراکز اجرایی و قضایی، شبکه‌های حمل‌ونقل پیشرفته مانند جاده‌ها، بزرگراه‌ها، پل‌ها، سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، فرودگاه‌ها و بنادر و همچنین تأسیسات حیاتی نظیر شبکه‌های برق، آب و فاضلاب می‌شود. علاوه بر این، انتقال سفارتخانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی که سال‌ها در تهران مستقر بوده‌اند، خود چالش دیپلماتیک و لجستیکی بزرگی به همراه دارد.

با وجود این نیازها، تحلیل این موضوع نشان می‌دهد که انتقال پایتخت، هرچند در ظاهر راه‌حلی ریشه‌ای به نظر می‌رسد اما در عمل ممکن است بیش از آن‌که مشکل را حل کند، به پاک کردن صورت‌مسائه منجر شود؛ چراکه واقعیت این است که تهران، با وجود همه معضلاتش، طی دهه‌ها به‌عنوان مرکز سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور توسعه یافته و زیرساخت‌های موجود در آن، هرچند

ناکافی، محصول سرمایه‌گذاری‌های طولانی‌مدت است. تخریب این سرمایه و بازسازی آن در نقطه‌ای دیگر، نه‌تنها زمانبر و پرهزینه است، بلکه ممکن است مشکلات جدیدی را ازجمله فشار بر منابع طبیعی و زیست‌محیطی آن منطقه در شهر مقصد ایجاد کند. به‌عنوان مثال اگر شهری مانند مکران یا هر منطقه دیگری به‌عنوان پایتخت جدید انتخاب شود، زیرساخت‌های طبیعی و انسانی آن ظرفیت پذیرش چنین بار عظیمی را دارد؟ تجربه‌های جهانی مانند انتقال پایتخت در برزیل (از ریودوژانیرو به برازیلیا) یا قزاقستان (از آلماتی به نورسultan)، نشان می‌دهد که این پروژه‌ها تنها در صورتی موفقند که برنامه‌ریزی دقیق، منابع مالی پایدار و اجماع سیاسی قوی پشت آنها باشد؛ شرایطی که در وضعیت کنونی کشور با توجه به محدودیت‌های اقتصادی و تنش‌های سیاسی به‌سختی قابل تحقق به نظر می‌رسد. از سوی دیگر مخالفان این طرح استدلال می‌کنند که با بخشی از هزینه هگفت انتقال پایتخت، می‌توان تهران را ساماندهی کرد و از تمرکززدایی تدریجی بهره برد. به‌عنوان مثال، تقویت شهرهای اقماری اطراف تهران، توسعه زیرساخت‌ها در سایر استان‌ها و ایجاد مزیت‌های رقابتی برای جلوگیری از مهاجرت به پایتخت، راهکارهایی هستند که هم هزینه کمتری دارند و هم در کوتاه‌مدت اثربخش‌ترند.

در این راستا، طرح‌هایی مانند تفکیک پایتخت اقتصادی و صنعتی از تهران و انتقال آن به مناطق مثل سواحل مکران که از دولت‌های گذشته مطرح بوده و در حال پیگیری است، می‌تواند نمونه‌ای از این رویکرد تدریجی باشد. با این حال تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده و طرح موضوع در فضای رسانه‌ای، بدون پشتوانه مطالعاتی و برنامه‌ریزی جامع، تنها به افزایش هیجان و تنش در جامعه منجر می‌شود و نتیجه ملموسی در پی ندارد. به بیان دیگر انتقال یک‌باره پایتخت نه‌تنها مشکلات تهران را حل نمی‌کند، بلکه ممکن است بار مالی و اجتماعی سنگینی را به کشور تحمیل کند، در حالی‌که راه‌حل‌های پایدارتر مانند اصلاح مدیریت شهری، توزیع متوازن منابع و برنامه‌ریزی بلندمدت، می‌توانند با هزینه و ریسک کمتر به نتیجه برسند. در نهایت به نظر می‌رسد که تمرکز بر بهبود شرایط موجود و کاهش وابستگی کشور به یک شهر، منطقی‌تر از رویای پرهزینه و پرجالش جابه‌جایی پایتخت باشد.